

نگاهی به سیره ی تبلیغی امام جواد علیه السلام

<?xml encoding="UTF-8">

زندگانی سراسر افتخار پیامبر اسلام و ائمه ی هدی - صلوات الله علیهم اجمعین - از زوایای مختلف قابل بررسی است. روش تبلیغی معصومان علیهم السلام نیز مانند دیگر ابعاد زندگی شان اسوه و الگو به شمار می آید. وقتی از این زاویه زندگی این بزرگان را مورد مطالعه قرار می دهیم، خود را با وظیفه ی سنگین رو به رو می یابیم؛ زیرا این نورهای پاک لحظه یی از عمل به تکلیف و ابلاغ رسالت الهی غافل نبودند. در سیره ی تبلیغی امام جواد علیه السلام، موارد زیر مهم و در خور تامل می نماید:

1. تبلیغ از راه مناظره

بارزترین نوع تبلیغ امام جواد علیه السلام مناظره است. مناظره های آن حضرت - که از نخستین روزهای امامتش آغاز شد - وی را در تثبیت جایگاه ولایت و امامت، هدایت حق جویان و آشکار ساختن سستی گفتار ستمگران یاری داد. آن حضرت به دو جهت در عرصه ی مناظره های علمی گام نهاد. نخست نیاز شیعیان که با توجه به سن اندک آن حضرت در پی کشف جایگاه معنوی اش بودند و دوم خواست مامون و معتصم که اندیشه ی خوار ساختن امام و اثبات الهی نبودن آگاهی های وی در سر می پروراندند. خلفا می کوشیدند با برپا ساختن مجالس مناظره امامان شیعه را رو در روی برخی از دانشمندان بنام زمان قرار دهند تا شاید از پاسخ پرسشی باز مانند و جایگاه معنوی شان مورد تردید واقع شود.

اهداف امام علیه السلام در مناظره ها

الف) اثبات امامت خود

امام جواد علیه السلام در این مناظره ها پیش از هر چیز در پی اثبات حقانیت خود بود. بر اساس گفته ی مورخان امام - با آن که هفت سال بیش نداشت - در یکی از محافل به سی پرسش پاسخ داد. (1)

ب) رسوا ساختن دروغ پردازان

امام علیه السلام در مناظره چنان رفتار می کرد که نادرستی فضائل ساختگی خلفا آشکار شود. در یکی از مجلس ها مامون از یحیی بن اکثم خواست پرسشی مطرح کند. یحیی عرض کرد: یابن رسول الله، بر اساس روایت ها جبرئیل به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کرد: یا محمد، خداوند سلامت می رساند و می

فرمایید از ابوبکر پرس آیا از ما خشنود است؟ زیرا من از وی راضی ام؛ در این باره چه می فرمایید؟
امام علیه السلام فرمود: فضل ابوبکر را انکار نمی کنم، ولی آن که این خبر را روایت کرده باید به خبری که رسول
خدا صلی الله علیه و آله در حجة الوداع فرمود توجه کند. حضرت صلی الله علیه و آله فرمود:
لقد كثرت الكذابة على

دروغ گویان بر من بسیار شده اند و نسبت دروغ بر من فزونی یافته است. پس هر که بر من دروغ بندد، خداوند
نشیمن گاهش را از آتش پر می سازد. چنانچه حدیثی برایتان آوردند، آن را به کتاب خدا و سنت من عرضه کنید؛
هر چه با آن موافق بود بپذیرید و آنچه مخالف بود رها سازید، خداوند می فرماید:

«ولقد خلقنا الانسان ونعلم ما توسوس به نفسه ونحن اقرب اليه من حبل الوريد» . (2)

به تحقیق ما انسان را آفریدیم و می دانیم آنچه نفس به او وسوسه می کند و ما از رگ گردن به وی نزدیک تریم.
روایتی که شما ذکر کردید، نشان می دهد خشنودی یا ناخشنودی ابوبکر بر حضرت حق پوشیده بود و این نزد
عقل محال و ممتنع است» . (3)

2. تبلیغ عملی علیه حکومت مامون

مامون امام علیه السلام را بسیار احترام می نهاد و دخترش ام الفضل را، به رغم مخالفت های گوناگون به عقد
وی درآورد. این برخوردها هرگز امام را به دستگاه خلافت خوش بین نساخت. او خلیفه را ستمگر می شمرد و
اندیشه ی مخالفت با آن را در سر می پروراند. بنابر این، در نخستین فرصت به بهانه ی حج سمت مدینه رهسپار
شد و در آن دیار اقامت گزید. حسین مکاری می گوید: هنگامی که حضرت محمد تقی علیه السلام نزد خلیفه
جایگاهی والا داشت، وارد بغداد شدم و به دیدار وی شتافتم. چنان می اندیشیدم که حضرت دیگر به مدینه باز
نخواهد گشت. چون این امر را به خاطر آوردم، امام علیه السلام سر فرو افکند. اندکی بعد سربلند کرد و در حالی
که رنگ مبارکش زرد شده بود، فرمود: حسین، نان جو و نمک نیم کوب در حرم رسول الله صلی الله علیه و آله از
آنچه مشاهده می کنی برایم بهتر است. (4)

3. پدید آوردن حوزه ی علمی

پرورش دانش پژوهان روشن بین نیز در شمار روش های تبلیغی امام نهم علیه السلام جای دارد. آن حضرت
ضمن پاس داری از حوزه یی که امام صادق علیه السلام بنیان نهاده بود، دویست و هفتاد شاگرد تربیت کرد که
گروهی از آنان نیز از شاگردان امام هشتم شمرده می شدند. (5)

4. اعزام نماینده

امام نهم علیه السلام برای خنثا ساختن تبلیغات شوم بنی عباس و ارائه ی اسلام راستین به مردم، نمایندگانی به مناطق مختلف گسیل می کرد. این نمایندگان، کارگزاران امام علیه السلام شمرده می شدند و در مراکزی چون اهواز، همدان، سیستان، بست، ری، بصره، واسط، بغداد، کوفه و قم زمینه ی اتحاد شیعیان و پیوند آن ها با معصوم را فراهم می آوردند.

امام علیه السلام همچنین به پیروانش اجازه می داد درون دستگاه حکومت نفوذ کنند و پست های حساس را در دست گیرند. «محمد بن اسماعیل بن بزيع» و «احمد بن حمزه قمي» از این فرصت بهره بردند و با رسیدن به موقعیت های ممتاز حکومتی در مسیر خدمت به دین و دین داران گام برداشتند.

«حسین بن عبدالله نیشابوری» حاکم «بست» و «سیستان» و «حکم بن علیا اسدی» حاکم «بحرین» نیز از یاران حضرت شمرده می شدند و خمس دارایی شان را نزد وی گسیل می کردند. (6)

پی نوشت ها :

(1) منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، انتشارات هجرت، ج 2، ص 577 .

(2) ق / 16 .

(3) سیره ی پیشوایان، مهدی پیشوایی، انتشارات توحید، ص 552 .

(4) منتهی الآمال، ص 582 .

(5) امام الجواد من المهد الی اللحد، سید محمد کاظم قزوینی، ص 89 .

(6) سیره ی پیشوایان، ص 559 .